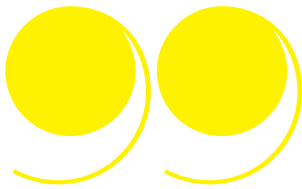


**خیامی: ما سال ۹۱ تنظیم‌گری هم‌گرا را مطرح کردیم و گفتیم تنها راه است و گریزی هم از آن نیست، عده‌ای مخالف و موافق بودند، اما دوازده سال بعد عین همان کلمات دارد تکرار می‌شود.**



است، همان امکانات است، اما سطح آن جایی که باید بگوید وزارت ارتباطات پهنای باند این پلتفرم را فلان تغییر بده، باید جایی باشد که وزارت ارتباطات تمکین کند. من دارم می‌گویم سطح چیزی که بررسی می‌کنیم، غول بیرونی بازار داریم، اما چیزی که برای هماهنگی میان این تلاطم‌های این چهار راه گذاشته‌ایم، اندازه آن غول بیرونی نیست، متخفاً جایگاه اصلی به گمانم شورای عالی فضای مجازی بود. شما وقتی آن را می‌گیرید و جای دیگری می‌برید، خودبه‌خود آن را تنزل می‌دهد و ناخواسته حرف آن را، فارغ از اینکه شئون حرفه‌ای دارد یا ندارد، حرف من این تنظیم‌گراست، ساترا و صداوسیما نیست، کسی حرفش را نمی‌خواند، چون آدمی است که فقط داد می‌زند. کسی هم حرفش را گوش نمی‌دهد. همین حالا تعدادی از سرپایان‌ها که از برخی پلتفرم‌ها پخش می‌شود مجوز تولید نداشتند، چرا نمی‌توانند جلوی‌شان را بگیرند؟ اهرم ندارند. وقتی آن را تنزل می‌دهی و پایین می‌آوری، ربطی هم به دعوی صداوسیما و ارشاد ندارد، فرض کن به جای ساترا، ارشاد باشد، ارشاد چه چیزی داشت که وزارت ارتباطات بگوید پهنای باند آن را کم کن یا درگاه‌هایش را ببند.

وقتی تنزل می‌دهی مشخص است نه تنها ساترا و صداوسیما، ارشاد هم در جایگاهی نیست که بخواهد برای وزارت ارتباطات دستور دهد، بر فرض اینکه اینها فردا حقوقی هم شوند، ما اینها را نظام‌مند می‌کنیم که مسأله و گره‌های میدان گشوده شود اما باز دوباره همان می‌شود. شما بگو ساترا قانون‌مند شد، اما پس فردا بخواهد اعمال قانون کند، نمی‌شود. قبلاً رئیس صداوسیما نامه می‌نوشت و می‌بست، در حال حاضر آقایان دو قدم عقب‌تر رفته‌اند و می‌گویند ما ضابط قضایی نیستیم و تنها اطلاع می‌دهیم. خب چه تضمینی وجود دارد پس فردا که قانونمند هم شدید، به حرف شما گوش کند یا سایر نهادهایی که قرار است برخورد تنبیهی داشته باشند، برخورد تنبیهی لزوماً کشیدن گوش نیست، بستن حساب‌های بانکی، بستن تراکنش‌های بانکی یوزرهای یک پلتفرم، اینها همه نیازمند همراهی سیستم بانکی با شماست. شأن این اهرم‌ها، جایگاهی که این اهرم‌ها باید آنها را مدیریت کند، جایگاهی فراتر از اینها می‌خواهد.

#### آقای دکتر شما گفتید در جریان این

**تصویب‌ها هستید، چنین جایگاهی برای این نهاد تنظیم‌گر دیده شده است؟ چون یکی از اشکالاتی که می‌گفتند، البته شاید اشکال ساده‌ای باشد، اما گفتند نهاد تنظیم‌گر وابسته به یک ذی‌نفع است، مثلاً صداوسیما به عنوان بزرگترین رسانه تصویری که در کشور برد دارد، با بودجه حاکمیتی کارهای نمایشی و شبکه‌های نمایش خانگی را انجام می‌دهد، این اشکال ایجاد شده بود که این سازمان دیگر ایجاد کرده است، برای این ماجرا فکری شده است که بعداً اگر ساترا نهاد تنظیم‌گر شد، بتواند اعمال حاکمیت کند یا باید نهاد بالادستی ایجاد کنیم؟**

**خیامی:** در پاسخ به سؤال شما باید به سه چهار نکته اشاره کرد. نکته اول اینکه به نظر من دوسه ایستگاه دیگر کار داریم، توقع را باید با ایستگاه مربوطه

متناسب کرد، تا اینجا آمده‌ایم، تجربه کسب کرده‌ایم تا بتوانیم جلوتر برویم. نکته دوم، کلمه همگرایی را من توضیح دهم؛ همگرایی رسانه‌ای به این معناست که عموم رسانه‌هایی که پیش از این مستقل از هم می‌توانستند کار کنند و کار می‌کردند، در حال حاضر مستقل از هم نمی‌توانند کار کنند. مطبوعات را می‌شد اداره کرد، کاری هم به سایت نداشت، می‌شد سینما را اداره کرد و کاری هم به دیگری نداشته باشیم و الی آخر. در حال حاضر اینگونه نیست. مجموعه رسانه‌ها، چه روزنامه‌ای که روی دکه است، چه سینمای آنلاین و چه سینمایی که در سالن‌ها کار می‌شود، چه سریالی که مثلاً در یک سکوی ویدیویی در حال انتشار است، اینها به یکدیگر مربوط هستند. سینما با تلویزیون دیگر جدا نیست. بازیگران، هنرمندان، نویسندگان، چرخش مالی، همه به هم مربوط هستند. شما حتی سریالی را می‌بینید که در یک سکو منتشر می‌شود، در داخل سالن سینما آقایان زنده بخشی را اجرامی کنند یا بخشی را پخش می‌کنند، سینما دیور تنها در سالن نیست، سینما آنلاین هم داریم. فیلمی مجوز از ارشاد می‌گیرد و وقتی می‌خواهد در وی‌آیدی پخش شود، دوباره چه کسی باید مجوز دهد؟

**علیزاده:** من هفته گذشته به سینما رفته بودم، از تبلیغات قبل از فیلم، یکی از سریال‌های نمایش خانگی بود. **خیامی:** به این می‌گویند همگرایی. وقتی در ساحت تکنولوژی و فناوری‌ها، رسانه‌ها کاملاً درهم تنیده می‌شوند، در ساحت سیاستگذاری و تنظیم‌گر مثل سابق نمی‌توانید مستقل از هم، آنها را اداره کنید. تشویب از اینجا آغاز می‌شود. مثل نفت می‌ماند، وقتی چاه نفت در آبادان یا مسجد سلیمان است و برای خودتان است، اما وقتی نفت زیر بستر خلیج فارس رفت، بستر مشترکی ایجاد می‌شود که اوضاع بهم می‌ریزد. با آمدن پهنای باند و دیجیتال، این رسانه‌ها درهم شدند، شما سایت دارید که فیلم را به اشتراک می‌گذارد. سریال و سینما دارید که در فضای مجازی اکران می‌شود و الی آخر... رادیو و پادکست دارید. در ساحت سیاستگذاری، نمی‌شود دعوا کرد و گفت تا اینجا مال من است و چنین چیزی، لذا باید در عرصه تنظیم‌گری هم همگرا عمل کرد. تنظیم‌گری همگرا منافاتی هم با دین و اخلاق و قانون اساسی شما هم ندارد، تنها مسأله‌ای که می‌ماند کثرت ذی‌نفعان است. نکته سوم، شورای عالی فضای مجازی نمی‌تواند بگوید وقتی در مجاز آمد، من تصمیم می‌گیرم و وقتی در مجاز نیست و در سالن سینماست، کسی دیگر تصمیم بگیرد؛ چون شورای عالی فضای مجازی که نمی‌تواند برای رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات، تئاتر و خیلی موارد دیگر تصمیم‌گیری کند، می‌گوید وقتی مجازی شد من باید تصمیم بگیرم. این به معنای این است که همگرایی را درست متوجه نشدید. اینها با هم پیوند دارد، یعنی سریالی که می‌خواهد تولید شود و ساترا مجوز آن را می‌دهد و در شهر تبلیغات محیطی کند، باید به ارشاد برود. نمی‌شود گفت این بخش با من است و وقتی به تبلیغات رفت من نیستم، لذا از سال ۹۱ تا امسال آن کمیسیون نمی‌توانست کار انجام دهد. در زمان خود کار خوبی بود، سال ۹۴ هم مصوبه دارند، بیش از ۶ مصوبه شورای عالی فضای مجازی دارد که ورود کرده است، اینها همه تجربه‌های ماست و بایستی استفاده شود ولی حتی برخی از اعضای شورای عالی فضای مجازی هم که آن زمان هم بودند، الان می‌گویند قابلیت اجرایی ندارد

به علت همین مسأله‌ای که پدید آمده است. نکته چهارم، ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی و اینکه چطور وارد شد، من نمی‌دانم. من نه عضو شورای عالی فضای مجازی هستم نه عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی. ولی واقعیت این است که ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال حاضر مصوبه مجلس شورای اسلامی است. شورای عالی فضای مجازی مصوبه مجلس را نداشت، درست است که آن هم شورای عالی است و مصوبه‌هایش هم می‌تواند قانون شود و حتی رهبری هم فرمودند اما استحضار داشته باشید این چیزی که الان شورای انقلاب فرهنگی ورود کرده، از پیش مصوبه مجلس شورای اسلامی را در برنامه هفتم دارد. بعد از آن دو مصوبه دیگر تصویب شد، من همین چند شب گذشته از حقوقدانان برجسته کشور مشورت گرفتم، یعنی آنچه شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب می‌کند، همان است که مجلس شورای انقلاب اسلامی تصویب می‌کند چون از پیش گفته: آنچه شورای انقلاب فرهنگی تصویب می‌کند، طبق آن باید همه عمل کنند. بنابراین مصوبات شورای انقلاب فرهنگی، مصوبه مجلس شورای اسلامی را دارد و مجلس شورای اسلامی بالاترین سطح قانون است و برای همه دستگاه‌های کشور کاملاً حقوقی است. شورای نگهبان را هم پرسیدیم، گفتند همین است. یعنی حقوقدانان و فقهای شورای نگهبان هم بر این صحنه گذاشتند. این اولین بار است که مصوبه‌ای در حال تنظیم است که نمی‌دانم چه خواهد شد، من جزو کمیته نیستم. این اتفاقی است که شرایط را متفاوت می‌کند. پس یک، بحث همگرایی اقتصادی این است که شورای مجازی نمی‌تواند به صورت کلی حکم دهد، دوم بحث قانون است، چون قانون مجلس شورای اسلامی را به عنوان پیشخوانه دارد حقوقی می‌شود و می‌تواند اتفاقی بیفتد در عین حال، این باز گمان‌انگیز است. این اولین بار است که تا ایستگاه مطلوبی که آقای علیزاده اشاره کردند داریم که برسیم و عرض آخر، این بازار، بازار لزوج و لغزان و نوبه‌نوبی است، اصلاً چیزی به نام جایی که ما رسیدیم و آن را حل کردیم ندارد و مدام محل‌گپ و گفتند و نزاع است، ولی یادمان نرود عمده این نزاعات باید در واحد تنظیم‌گر حل شود که سرمایه اجتماعی از دست نرود و مخاطرات کمتری هم دارد.

#### آقای دکتر احتمال دارد در این کمیته‌ای

**که آقایان فعالیت می‌کنند یک نهاد**

**فراقوه‌ای برای تنظیم‌گری تشکیل شود؟**

**خیامی:** تا اندازه‌ای که من از ارتباطات و در گپ و گفت‌ها متوجه شده‌ام در این مقام فکر نمی‌کنم. مثال ملموس ترداخلی را بخواهم اسم ببرم، مثلاً ما یک نهادی داریم با عنوان هیأت نظارت بر مطبوعات، که ظاهراً واسمی کارهای دبیرخانه‌ای‌شان در وزارت ارشاد اجرا می‌شود ولی ارشاد یک یا دو عضو بیشتر ندارد و دولت‌ها که می‌خواهند خودشان را ممبر کنند، می‌گویند ما در هیأت نظارت یک رای داریم، این در قوه قضائیه هم است، خواستم بدانم چنین فضایی در ذهن آقایان است؟

**خیامی:** این جزو پیشنهادات است و مطرح شده چنین سازکار فراقوه‌ای و عالی طراحی کنیم، این پیشنهاد هم برای الان نیست، حتی زیرساخت‌های آن هم طراحی شده که اگر چنین چیزی جمهوری اسلامی بخواهد طراحی کند، حتی چه زیربخش‌هایی دارد؛ شده ولی زمانی وجود دارد که شما به نقطه

مطلوب فکری کنید و زمانی وجود دارد که ظرفیت شرایط کنونی را می‌سنجید. این جزو پیشنهادات است ولی برداشت من این است که الان آمادگی وجود آن نیست، لذا بعید می‌دانم چنین چیزی تشکیل شود ولی اینکه صد اوسیمایا فکر کنیم و بتواند مرتب تقسیم کار کند و فناوری‌های جدید را رصد و پالایش کند، فعلاً می‌توان در این ایستگاه به چنین چیزی امیدوار بود؛ ولی آنچه شما فرمودید را من فکر نمی‌کنم.

#### این نهاد فراقوه‌ای به نظر شما چند

**ایستگاه دیگری می‌توان به آن فکر کرد؟**

**خیامی:** دو ایستگاه دیگر کار دارد. اگر این ایستگاه را به خوبی رد کنیم، به ایستگاه‌های بعدی زودتر می‌رسیم. چون اراده دسته‌جمعی شکل گرفته و داریم مرحله و خاکریز سختی را می‌گذرانیم. در شورای عالی فضای مجازی، آقایان مقداری گله‌مند هستند چون می‌گویند کار ما بود ولی خب هم ادله علمی و هم ادله میدانی وجود دارد که چطور بعد از ۱۰ سال از مصوبه، عملیاتی نشده است؟ بسیاری از ذینفعان در مصوبه دیده نشدند، اشکالاتی از این دست وجود دارد. هر چند در دوره خود پیشتر بود، ما باید از آن ایده و فکر در آن سال تشکر کنیم ولی خب دیگر نشد.

**علیزاده:** به عنوان نکته آخر، موضوع تنظیم‌گرایی همگرا که آقای دکتر عنوان کردند، نفس این ماجرا یعنی دوطرفه کردن این محتوا که نمی‌اش را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منحل می‌شود و بخشی را صداوسیما، این حتماً محل آسیب است و حتماً جایی این دوباره باید یکپارچه شود، من شکل بیرونی ماجرا را کار ندارم اما مرجع صدور تنظیم‌گری محتوا یکپارچه شود و این فضایی که درگیر آن هستیم رفع می‌شود.

**خیامی:** فرمایش خوبی داشتند آقای علیزاده، چیز دیگری که همگرایی شود سه حوزه زیرساخت، خدمات و محتواست. این‌ها را نمی‌توان جدا از هم تنظیم‌گری کرد. آقایان تلاش می‌کنند رفع کنند اما چه درآید خدا می‌داند. بنده پیش نویسی داده‌ام و در آن وزارت ارتباطات نقش دارد، وزارت ارتباطات زیرساخت در اختیار اوست و باید با او هم همکاری کند، این سه گزینه، محتوا، زیرساخت و خدمات را نمی‌توان از هم جدا کرد. چرا ساترا الان نمی‌تواند ابزارهای لازم را داشته باشد، غیر از اینکه قانون از آن حمایت نمی‌کند، گاهی سازکار جریمه است، گاهی پهنای باند است، گاهی گردش مالی است ولی در کنار اینها، سازکار ارتباطات انسانی هم فوق‌العاده می‌تواند مؤثر باشد و این تفاوت جامعه ما با دیگر جوامع است. مایک زیست بوم ارتباطات انسانی اخلاقی مبتنی بر اعتماد و انصاف باید داشته باشیم. گاهی چون دلسوزی من برای شما مشخص شده، به صحبت من عمل می‌کنید و گاهی نه، بخشنده‌ام است، در این زیست بوم، ارتباطی که بخواهد صرفاً بر اساس حقوقی و بخشنامه‌ای و دستورالعملی باشد، زیاد نمی‌تواند جلو رود. اینجا اهالی قلم و هنر و نویسندگی و چنین موارد است، حتی آن راسته بازار هم ریش سفیدی دارد. لذا در بازار هنر و فرهنگ و اهالی قلم هم باید جایی مشابه همان ریش سفیدی باشد. یعنی بخشی از کارهای ما باید با اخلاق حرفه‌ای حل شود نه تنها ارتباطات حقوقی.

#### خیامی: پیشنهاد

شورای نگهبان  
به سازمان  
صداوسیما  
این است که  
فعلاً ساترا در  
هر حوزه‌ای که  
موظف است،  
هر چه که  
هست، بر اساس  
همان تفاهم  
پنج‌بندی که  
با هم دارند، در  
همان حوزه‌ای  
که مسئولیت  
دارد اگر بخواهد  
توفیقاتش  
کامل شود، باید  
فرایندی را که  
حقوقدان‌ها  
گفتند طی  
کند که بتواند  
ضمانت اجرایی  
داشته باشد.

